

## جنگهای افغانستان

نویسنده: پیتر تامسن

بخش دوم

نه تنها اتحادشوری از افغانستان دست کشیده و آن را وا گذاشت تا به پرتگاه افراط گرایی و هرج و مرج، فتنه و آشوب سقوط نماید، بل دگرگونی هایی نیز در هدف رزم آرایانه و استراتژی واشنگتن پس از سال ۱۹۸۶ رونما گردید. مشاوران امور خارجی جورج بوش، افغانستان را به حیث مسألهٔ سومی ناشی از بقایای جنگ سرد می پنداشتند.

جنگ سرد در آستانهٔ عید عیساییان ۱۹۹۱ زمانی که اتحاد شوروی از هم پاشید، به پایان رسید. پس از به قدرت رسیدن بوریس یالسین، شاهراه کمک های نظامی - اقتصادی مسکو به رژیم کمونستی کابل مسدود گردید. پنج جمهوریت نو بنیاد آسیایی، افغانستان را از روسیه جدا نموده و دو کشور از همدیگر ۴۰۰ مایل فاصله یا فتنه.

سیاستمداران امریکایی در وزارت خارجه زمزمه می نمودند، « رئیس جمهور خواهان خروج است.» و هدایت آن بود تا آن ها در افغانستان حضور کم رنگ داشته باشند. زمانی که رئیس جمهور بوش از جنگ های جدید در کابل پس از سقوط نجیب اطلاع یافت، چنین اذعان داشت: « آیا این مساله هنوز هم ادامه دارد؟»

ادارهٔ کلینتون و ادارهٔ جورج بوش، قبل از حادثهٔ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اختیار سیاست خارجی امریکا پیرامون افغانستان را بدسترس پاکستان یعنی در عمل به اردو و دستگاه استخبارات آن کشور، یا آی. اس. آی. قرار دادند. در بین سال های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۴ آی. اس. آی. راکت هایی را به دسترس حکمتیار گذاشت که توانست شهر زیبای کوهستانی کابل را، مانند شهر دیرسدن، در جرمنی، هنگام جنگ جهانی دوم به خرابه یی مبدل سازد. در سال ۱۹۹۴ پاکستان کمک های خویش را از حکمتیار به سوی طالبان سوق داد. «اتحاد نا مقدس» طالبان، القاعده و آی. اس. آی. تا زمانی بر اکثریت نقاط افغانستان حکمرانی داشتند که طیارات رهبری شده با پیلوتان القاعده امریکا را هدفگیری نمودند.

ایالت های متحده، دوستان و متحدینش نیازمند آنند تا درک خویش را از محیط و ما حول افغانستان دقیق تر سازند. این امر مستلزم آن است تا به ارزیابی تاریخ، فرهنگ و جامعهٔ قبیله ای افغانستان پرداخت.

افغانستان در بسیاری موارد موزیم قومان خوانده می شود. تهاجم های متداوم قرن های متمادی منجر به ایجاد چنین کاشیکاری قومی و قبیله ای گردیده است. هر گروه مهاجم میزبان خاص خویش را داشتند که به نحوی بر افغانستان اثر وارد نمودند.

نویسندگان فارسی، عربی و انگلیسی توجه بیش تری را به قبایل پشتون به تناسب سایر اقوام معطوف داشتند. این به خاطر آن است که پشتونهایی بزرگترین گروه قومی افغانستان را تشکیل می دهند.

پس از بنیاد گذاری دولت معاصر افغانستان در قرن هژده، پشتونها همواره بر آن حکمرانی داشته اند. جنگ های امپراطوری بر تانیا با قبایل سلحشور پشتون، در دو طرف خط دیورند، بر این ادعا صحه می گذارد.

پشتونها با نفوذترین گروه قومی در افغانستان می باشند. بطور کلی پشتونهای ساکن در افغانستان - نزدیک چهارده ملیون و در پاکستان در حدود بیست و چهار ملیون - بزرگترین گروه قومی را تشکیل می دهند.

نظامیان امریکایی بدین نتیجه رسیده اند که شناخت دقیق قبایل پشتون، متحدین و مخالفین آنان، کلید عمدهٔ پیروزی در افغانستان می باشند.

اسلام جز انفکاک نا پذیر هویت افغانی را باز تاب می دهد. افغانها به وجود نعمان بن ثابت، (۷۶۷-۶۹۹ ع.) ملقب به ابوحنیفه، امام بزرگ جهان اسلام افتخار می کنند. نعمان پدرش که سوداگر معروف بود با خانواده از کابل در قرن هفتم عیسوی به بغداد هجرت نمود. مذهب حنفی که توسط وی پایگذاری شد، در افغانستان، پاکستان، جنوب شرق آسیا، ترکیه و بعضی قسمت های جهان عرب پیروان فراوانی دارد. افغانان هم چنان مولانا جلال الدین بلخی شاعر صوفی مشرب را که به اسم رومی شهرت بین المللی دارد، از آن خویش می پندارند. مولانا که در سال ۱۲۰۷ ع. در بلخ تولد یافت، در اثنای نو جوانی در اثر تقرب قوای مغول مجبور شد تا با فامیل خویش در مناطقی از ترکیه امروزی پناه برده و تا اخیر حیات در آن جا زیست نماید.

مهاجرت حنیفه و مولانا به مناطق که دارای ثبات نسبی در جهان اسلام بودند، نمودی از انحطاط فکری و فرهنگی در افغانستان بود که در اثر تهاجم کوچیان آسیای مرکزی به وجود آمد.

در دوران پس از جنگ جهانی دوم، دو انکشاف جغرافی - سیاسی در منطقه به موقعیت حایل بودن افغانستان میان قدرت های بزرگ صدمه زد. انکشاف اول خروج بریتانیا از نیم قاره، در سال ۱۹۴۷ بود. دوم، آغاز جنگ سرد بود که تغییرات عمده را در ماحول افغانستان به وجود آورد.

دیبانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

استالین، جهان سوم را نادیده گرفت ولی پس از مرگ این مستبد بزرگ در سال ۱۹۵۳، رقابت جهانی امریکا - شوروی از قاره اروپا به آسیا، آفریقا و امریکای لاتین گسترش یافت.

رژیم افغان با نا توانی شاهد قطع ارسال سلاح های بریتانیایی به کشور بود. امریکا منبع مهم سلاح به حساب می رفت، ولی واشنگتن فروشنده سختگیر بود.

ایالات متحده به سرعت به متحد نزدیک پاکستان مبدل می شد. کشور اخیر الذکر، به معاهده های سازمان پیمان جنوب شرق آسیا (سیاتو SEATO) و سازمان پیمان مرکزی یا پیمان بغداد (سینتو CENTO) که بنابر ابتکار امریکا ایجاد شده بود، پیوست. این ها، حلقه های با ارزشی در سلسله زنجیری اتحادیه هایی بودند که امریکا به خاطر جلوگیری از توسعه گری شوروی، پایگذار نموده بود.

پس از جنگ جهانی دوم باد تغییرات در افغانستان نیز می وزید. هاشم خان، مقام صدارت را در سال ۱۹۴۶ به شاه محمود خان واگذار شد. شاه محمود خان با وجود تلاش، نتوانست خواسته های فزاینده را در جهت تأمین آزادی های سیاسی از راه دموکراسی و مردم سالاری پاسخ دهد. فامیل شاهی در ملاقات ۲۰ سپتامبر ۱۹۵۳ شان، زمام امور را به دسترس داوود خان گذاشتند. داوودخان که قهرمان داعیه پشتو نستان بود، به مثابه چلنج مستقیمی در برابر تمامیت ارضی دولت نو بنیاد پاکستان عرض اندام نمود.

داوود خان به خاطر تعویل اهداف بلند پروازانه اش به حامی بیرونی ضرورت داشت. گزینش اول وی ایالات متحده امریکا بود. نعیم خان، وزیر خارجه که در عین زمان برادر و مشاور نزدیک داوود خان به شمار می رفت، تقاضای موصوف را به واشنگتن ارایه نمود. اداره ایزنهاور آرزو نداشت تا اردوی داوودخان را مسلح سازد. زیرا آنان نمی خواستند در برابر همپیمان متحد شان یعنی پاکستان چلنجی را به ارتباط مسأله پشتونستان قرار دهند. جان فوستر دالس، وزیر امر خارجه امریکا، در یک نامه ساسی توهین آمیز عنوانی سفارت افغانی در واشنگتن که بتاريخ ۲۸ دسامبر ۱۹۵۴ ارسال نمود، چنین تصریح داشت، «افغانستان به عوض در خواست سلاح، باید مسأله پشتونستان را با پاکستان حل و فصل نماید.»

داوود از این امر خیلی عصبانی شده بود. دالس با نادیده گرفتن سری بودن نامه های سیاسی دو جانبه با نعیم و افشای متن پاسخ امریکا به سفیر پاکستان در واشنگتن، بر این زخم نمک پاشید.

داوود خان یک ماه بعدتر، یعنی در جنوری ۱۹۵۵ به صورت رسمی پیشنهاد شوروی را به خاطر در یافت کمک های نظامی پذیرفت. موصوف، بخاطر صحه گذاشتن بر در یافت کمک های نظامی شوروی لویه جرگه را در کابل تدویر نمود. داوود خان در ماه دسامبر ۱۹۵۵ با فرش قالین سرخ، از سفر پُر سر و صدای خروسچف به افغانستان، استقبال نمود. این اولین توقف رهبر شوروی در سفرش به خارج بود تا جای پای مسکو را در جهان سوم بگشاید.

خط مشی داوود خان در مورد پشتونستان با ستراتیژی شوروی که در صدد تضعیف سیاست بازدارنده امریکا علیه شوروی بود، در تطابق کامل قرار داشته و خروسچف آشکارا از داعیه پشتونستان داوود خان حمایت نمود.

سیاست های امریکا و چین پیرامون افغانستان در اوایل سال ۱۹۸۹ یکسان بودند. هر دو کشور خواهان خروج نیروهای شوروی بودند. طی سه سال ۱۹۸۵ - ۱۹۸۹ من به حیث معاون نمایندگی سیاسی امریکا در پیکنگ ایفای وظیفه نموده و خود در ملاقاتهای سری سی. آی. آی. با جنرالان اردوی مردمی چین، غرض خرید جنگ افزار ها سهم داشتیم. تمام فابریکه های اردوی چین بدان توظیف شده بودند تا به تولید تسلیحات گوناگون روسی از قبیل راکت اندازهای مختلف غرض ارسال به بندر گاه کراچی پردازند.

جنرالان چینی خرسندانه پول های هنگفت سی. آی. آی. را که سالیانه به صد میلیون دالر بالغ می گردید، به جیب ریخته و غرض پیشبرد پروگرام های تسلیحاتی خویش به کار می بردند.

خروج شوروی در فیبروری ۱۹۸۹ مانع عمده را در راه بهبود روابط آن کشور با ایالات متحده و چین مرفوع ساخته و به گرباچف امکان آن را میسر ساخت تا با این کشور ها به معامله سیاسی دست بزند.

بهبود روابط امریکا - شوروی و شوروی - چین به نفع مجاهدین نینجامید. به همان تناسبی که روابط امریکا - شوروی بهبود میافت، به همان اندازه اشتیاق امریکا به «جنگجویان آزادیخواه» کم رنگ تر می گردید.

علاقه امریکا به افغانستان پس از خروج قوای شوروی سیر نزولی را پیمود. توجه دو ابر قدرت، دیگر به اروپای شرقی معطوف شده بود. دیدگاه ها و نظریه های گرباچف که ملت های بلاک شرق را اجازه می داد تا امور خویش را خود کنترل نمایند، دیگر مسأله مداخله نظامی شوروی را از دستور روز خارج نمود. بازگشایی دیوار برلین، در نهم نوامبر ۱۹۸۹ به دوران جنگ سرد، نقطه پایان گذاشته و بر مرگ باور ها و دیدگاه های بر یژنف صحه گذاشت.

ادامه دارد